



گرامی باد خاطره رفیق مبارز حامد شهیدیان

حسرت نبرم به خواب آن مرداب
کارام درون دشت شب خفته ست
دریایم و نیست باکم از توفان :
دریا، همه عمر، خوابش آشفته ست.

باز زمانه دشنه بر قلب نشاند و گرامی رفیقی را از میانمان برگرفت. حامد شهیدیان رفیق ارجمندی که دل و اندیشه در ره فداییان و قلم در ره آزادی زنان تحت ستم مضاعف، گارگران و زحمتکشان بدست داشت. رفیق حامد در اولین ساعتهای روز شنبه اول اکتبر قلب پر طپش اش در اثر بیماری سرطان از حرکت ایستاد و خواب و بیداری تمامی دوستارانش را آشفته کرد. حسرت آرامش مرداب گونه، نه در اندیشه و وجود حامد بود نه در اندیشه و وجود همراهان حامد. آشفتهگی نه آسایش، در مکتب عاشقان آزادی و ستم کشیدگان میهنمان امری است اجتناب ناپذیر، اما از دست دادن رفیقی ارزشمند، آگاه، متعهد، و با دانشی وسیع همچون حامد آشفتهگی جانگهی بر دل و جان و اندیشه دارد.

حامد بجز مطالعات وسیعی که در حوزه مسایل زنان و آزادی آنان داشت و مقالات و کتب بسیاری در این قلمرو به نگارش درآورد، هرگز از مبارزه در ره آزادی کارگران و زحمتکشان که همانا راه سوسیالیسم است دوری نجست. حامد سالها در تشکل دانشجویان طرفدار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فعالیت فرهنگی و سیاسی داشت. مقالات تحقیقی بسیاری در نشریه جهان ارگان این تشکل دانشجوی برشته تحریر درآورد و تا باخر به این اندیشه بس انسانی اش وفادار و استوار ماند.

یادش گرامی و رهش پر رهرو باد
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۲ مهر ۱۳۸۴ - ۴ اکتبر ۲۰۰۵